

جوان را در غزل‌های شهید بلخی مورد بررسی قرار داده و ضمن این پرسش که: «شهید اسماعیل بلخی در غزل‌های خویش چه جایگاه و اهمیتی برای جوان قائل است؟» بر آن است که با تبیین چند ویژگی از ویژگی‌های جوان در دیوان شهید اسماعیل بلخی پرداخته، اهمیت و نگاه منحصر به فرد ایشان را نسبت به جوان برملا سازد.

۱. مفهوم‌شناسی

هدف از مفهوم‌شناسی، توضیح مفاهیم به‌کاررفته در این پژوهش است. بدیهی است که توضیح و تبیین ارائه‌شده زمینه را برای پاسخ به پرسش اصلی هموار می‌سازد. مفاهیمی که در این تحقیق به کار رفته‌اند، عبارت‌اند از:

۱-۱. جوان

واژه جوان در زبان فارسی به معنای هر چیزی است که از عمر او چندان نگذشته باشد، خواه انسان باشد، خواه حیوان و خواه نبات (معین، ۱۳۸۶: ۳۷۹).

اما راجع به جوان و دوران جوانی از سوی پژوهش‌گران این عرصه، تعریف دقیق و واحدی ارائه نشده است. برخی شروع دوره جوانی را از سیزده سالگی تا پایان بیست سالگی (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۸: ۲۳) می‌دانند. برخی دیگر معتقدند که فرد تازه به دوران رسیده، شخصی است که سن او از چهارده تا کم‌تر از هجده نباشد (کروزن، ۱۳۸۴: ۹۵۹). در این تعریف با رویکرد حقوقی به جوان نگرسته شده است.

در کتابی که در این اواخر توسط جمعی از برجسته‌ترین پژوهش‌گران حوزه جوانان تدوین شده، در تعریف جوانی آمده است: اصطلاح جوانی، با توجه به زمینه آن، معانی مختلفی دارد. این نکته، به‌ویژه در مورد این گزارش، در بخش نخست، جوانان به‌عنوان یک رقم آماری تلقی می‌شوند و افرادی را که سن آن‌ها بین پانزده تا بیست و چهار سال است، دربرمی‌گیرد. این تقسیم‌بندی، برای سهولت مقایسه انجام شده است؛ زیرا این گروه سنی، گروهی‌اند که در مورد آن اطلاعات قابل دسترس تدارک دیده شده است. در هر حال، هنگامی که استفاده از اصطلاح جوان بر مبنای کشور خاصی مدنظر قرار می‌گیرد، محدوده سنی فوق، اغلب خیلی کوچک است. برای مثال، گزارش توسعه انسانی برنامه عمران سازمان ملل متحد در سال دوهزار میلادی، برای اردن، به این نکته تأکید دارد که جوان کسی است که سن او پانزده تا بیست و نه سال باشد (جمعی از پژوهش‌گران، ۱۳۸۱).

این گزارش هم‌خوانی با حدیثی دارد که از امام صادق (ع) در این باره نقل شده است: «هنگامی که سن مرد از سی سال گذشت، (دوره) میان سالی است و زمانی که از چهل سالگی گذشت، (دوره) پیری نامیده می‌شود (مجلسی، ج ۷۵، ۱۴۰۳: ۲۵۳).



جوان از دیدگاه شهید سید اسماعیل بلخی^(۵)

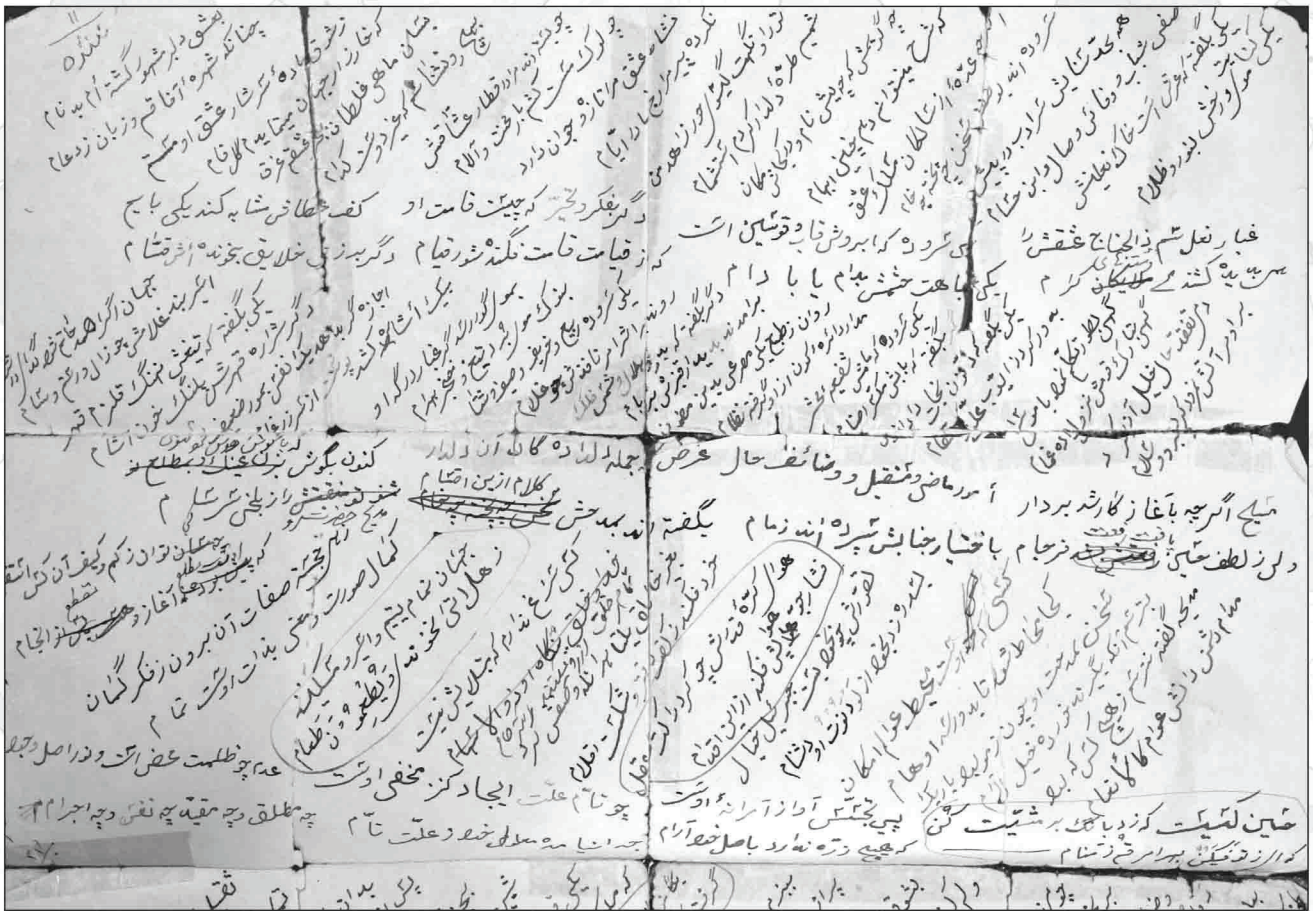


کلمه سبحان دانش
دکترای علوم سیاسی با گرایش روابط بین‌الملل
ایمیل: sobhandanesh@mihanmail.ir

مقدمه

جوانی یکی از ارزشمندترین، حساس‌ترین و خطرناک‌ترین فصل زندگی انسان به‌شمار می‌آید. جوانی در واقع، فصل بذرافشانی است که با پاشیدن بذر سعادت در مزرعه آن، می‌توان در انتظار آینده سرشار از عشق، امید و طراوت بود. غفلت از آن نیز مرگبارترین فجایع را برای فرد و جامعه به بار خواهد آورد. جوانی دوران سازندگی است؛ هم سازندگی جسمانی و هم سازندگی روحانی. جوانان ارزنده‌ترین سرمایه‌های جوامع انسانی هستند؛ از این‌رو، رشد و بالندگی هر کشوری، در گرو آموزش و پرورش نیروی جوان آن است. به همین دلیل، موضوع جوانان از دیرباز مورد توجه اندیشمندان دینی، سیاسی و فرهنگی جهان بوده است.

یکی از کسانی که در غزل‌های خویش، توجه ویژه‌ای به نسل جوان داشته، شهید سید اسماعیل بلخی است. نگارنده ویژگی‌های



۱-۲. غزل

واژه غزل در لغت عرب از اعماق و پرده دل با زنان سخن گفتن (مصطفی و دیگران، ۱۴۱۰: ۶۵۲) است. چون این نوع شعر بیش تر مشتمل بر سخنان عاشقانه است، آن را غزل نامیده‌اند؛ اما در اصطلاح شعرای فارسی، اشعاری است بریک وزن و قافیه، با مطلع مصرع که حد معمول متوسط ما بین پنج تا دوازده بیت باشد، و گاهی بیش تر از آن تا حدود پانزده و شانزده بیت، و به ندرت تا نوزده بیت نیز گفته‌اند (همایی، ۱۳۸۶: ۱۲۴)؛ اما در غزل‌های شهید بلخی خبری از سخنان عاشقانه نیست؛ بلکه لحن او کاملاً حماسی است.

۱-۳. شهید سید اسماعیل بلخی

شهید سید اسماعیل بلخی یکی از شعرای معاصر و انقلابی کشور افغانستان است که در قالب‌های شعر کهن فارسی دری شعر سروده است. زمانی که در زندان به سر می‌برد، به بیان افکار و اندیشه‌های خویش از این طریق می‌پرداخت. شهید بلخی در اشعار خویش، به جای خیال، بر اندیشه تکیه می‌کند و درون مایه اشعار شهید بلخی را مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... تشکیل می‌دهند. یکی از

مسائلی که شهید بلخی نسبت به آن توجه ویژه‌ای داشته، مفهوم جوان است که در غزل‌های خویش بارها و از زاویه‌های مختلف به تبیین آن پرداخته است. در این نوشتار، مفهوم جوان با توجه به غزل‌های شهید بلخی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. شهید بلخی و جوان

شهید بلخی جوان را دارای این اوصاف و ویژگی‌ها می‌داند.

۱-۲. جوان، عشق و دلیری

در منظومه فکری شهید بلخی، جوان و جوانی معنای دیگری دارد. آنچه که در قدم اول در اندیشه شهید بلخی برای یک جوان عاشق حقیقت و آزادی لازم و ضروری به نظر می‌رسد، از خودگذشتگی است. فداکاری و از خودگذشتگی زمانی تحقق پیدا می‌کند که جوان خود را برای مصالح دیگران از یاد ببرد. فداکاری و از خودگذشتگی در واقع بارزترین شکل نوع دوستی به شمار می‌آید. جوان تنها با روحیه از خودگذشتگی و مبارزه طلبی مداوم می‌تواند آینده مطلوب را برای جامعه خویش رقم بزند. برای جوان ترسی از شکست مفهوم ندارد؛ زیرا جوانی دوره دلیری و عشق است. دلیری و عدم ترس، به استقبال

خطر رفتن و عشق اصل همه چیز، دلیل همه چیز و خاتمه همه چیز است.

اگر از غمزه جانان نترسی
در اول بایدت کز جان نترسی
خراباتی شدن خواهی بیاید
ز طعن شیخ و از بهتان نترسی
به کوی می فروشان گر زنی گام
ز اتلاف سر و سامان نترسی
رفاقت گر کنی با باده خواران
ز غرش غرش مستان نترسی
نمی گویم مده دل را به خوبان
به شرطی کز غم هجران نترسی
به دریا غوص کن ای بحرپیما
ز شور و فتنه توفان نترسی
ز چشمت پرده موهوم بردار
ز جن و دیو ای انسان نترسی
به خود گر می نهی فخر سخاوت
ز آمد آمد مهمان نترسی
مده خوف و خلل در استقامت
ز زهر تاریکی دالان نترسی
ثبات از کف مده در هر طریقی
شب مهتاب در پغمان نترسی
جانا یاد آزادی حلالیت
ولی از دار و از زندان نترسی
(بلخی، ۳۸۱: ۴۴۶)

۲-۲. جوان، عزم و اراده

در وجود جوان نیروی بسیار بزرگ و اسرارآمیز به نام عزم و اراده وجود دارد که بر همه چیز، حتی زمان، غالب می آید و رقیبی برای آن متصور نیست. پیامبر اکرم (ص) با توجه به همین ویژگی، می فرماید: «خداوند هیچ پیامبری را جز در جوانی مبعوث نکرد و به هیچ دانشمندی، جز در جوانی، دانش عطا نشد.» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸: ۶۰).

حضرت علی (ع) یکی از بارزترین ویژگی پیامبران را عزم و اراده قومی دانسته و می فرماید:

«پس همانا خداوند سبحان بندگان متکبر را با دوستان خود که در چشم آن‌ها نا توانند، می آزماید؛ وقتی که موسی بن عمران و برادرش هارون بر فرعون وارد شدند و جامه‌های پشمین به تن و چوب در دستی داشتند، و با فرعون شرط کردند که اگر تسلیم پروردگار شود، حکومت و ملکش جاودانه بماند و عزتش برقرار باشد. فرعون گفت:

ای مسلمانان اجمالت بخت نیستی
در زاد و زبان عالم بیداری
بسیار است ای بی نصیبان
بسیار است ای بی نصیبان
بسیار است ای بی نصیبان
بسیار است ای بی نصیبان

«آیا از این دو نفر تعجب نمی کنید که دوام عزت جاودانگی حکومت را به خواسته‌های خود ربط می دهند؛ در حالی که در فقر و بیچارگی به سر می برند؟ اگر چنین است، چرا دستبندهای طلا به دست ندارند؟» (نهج البلاغه، خ ۱۹۲).

اگر با دید نافذ به این قضیه و مشابه آن نگریسته شود، به خوبی خواهیم دریافت که یکی از عوامل بسیار مهم در شکست طاغوتیان در طول تاریخ، عدم شناخت دقیق آنان از همین نیروی مرموز در وجود پیامبران بوده است. خداوند در قرآن کریم به پیامبرش توصیه می کند که همانند پیامبران که دارای عزم و اراده قوی بودند، صبر را پیشه خود سازد «پس صبر کن آن گونه که پیامبران «اولوالعزم» صبر کردند.» (احقاف، آیه ۳۵).

شهید بلخی با الهام از تعالیم حیات بخش اسلام، به نیروی اعجاب انگیز جوان به نام عزم و اراده توجه ویژه ای دارد و معتقد است که نیروی جوان یک نیروی کاملاً مثبت است. جوانان می توانند با

(بلخی، ۳۹۲-۳۹۱).

شهید بلخی در جای دیگر جوانی را همسان با رشد فکری، علم و هنر دانسته و می گوید:
گفتم که بیاتاره چاره بسنجیم
گفتا که در این راه دسپلین و پلان کو؟
گفتم که دسپلین و پلان نزد جوانان
گفتا که جوان هست؛ ولی فکر جوان کو؟
(بلخی، غزل: ۱۸۱)

به نظر می رسد که شهید بلخی به آیه ۱۰ سوره کهف توجه داشته که در آن از اصحاب کهف به جوانمردان یاد شده است. «زمانی را (به خاطر بیاور) که آن جوانان به غار پناه بردند...»؛ در حالی که طبق حدیث نقل شده از امام صادق (ع)، اصحاب کهف همگی میان سال بودند؛ اما خداوند به سبب ایمان شان آنان را جوان نامید (مسعود سمرقندی، ج ۲، ۱۳۸۰: ۳۲۳)؛ بنابراین، گاهی به افراد صاحب سن و سالی که روح جوان و شاداب دارند، نیز جوان گفته می شود. معمولاً، این واژه با یک نوع مدح به خاطر صفات جوانمردی، مقاومت، استقلال فکری، پرهیز از تقلید کورکورانه، توکل، آزادی، شهامت و تسلیم در مقابل حق همراه است (مکارم شیرازی، ج ۱۲، ۱۳۶۸: ۳۵۷).

۳-۲. جوان و بیداری

شهید بلخی با درک عمیق از تمدن به ظاهر پیشرفته غرب، آن را نتیجه سعی و تلاش غربی ها دانسته و معتقد است که بدون سعی و تلاش برای یک جوان مسلمان، دستیابی به وضعیت به ظاهر سامان یافته اروپا و پیشرفت های حیرت انگیز آنان در صنعت و تکنولوژی، جز بوالهوسی چیز دیگری نخواهد بود. تنها راه رسیدن به قله های پیشرفت، در سایه سعی و تلاش و تصمیم استوار میسر خواهد بود. شهید بلخی برای تئور افکار نسل جوان و بیداری آنان، از تشبیه های گوناگون و قابل فهم استفاده نموده و آنان را از تقلید کورکورانه برحذر می دارد.

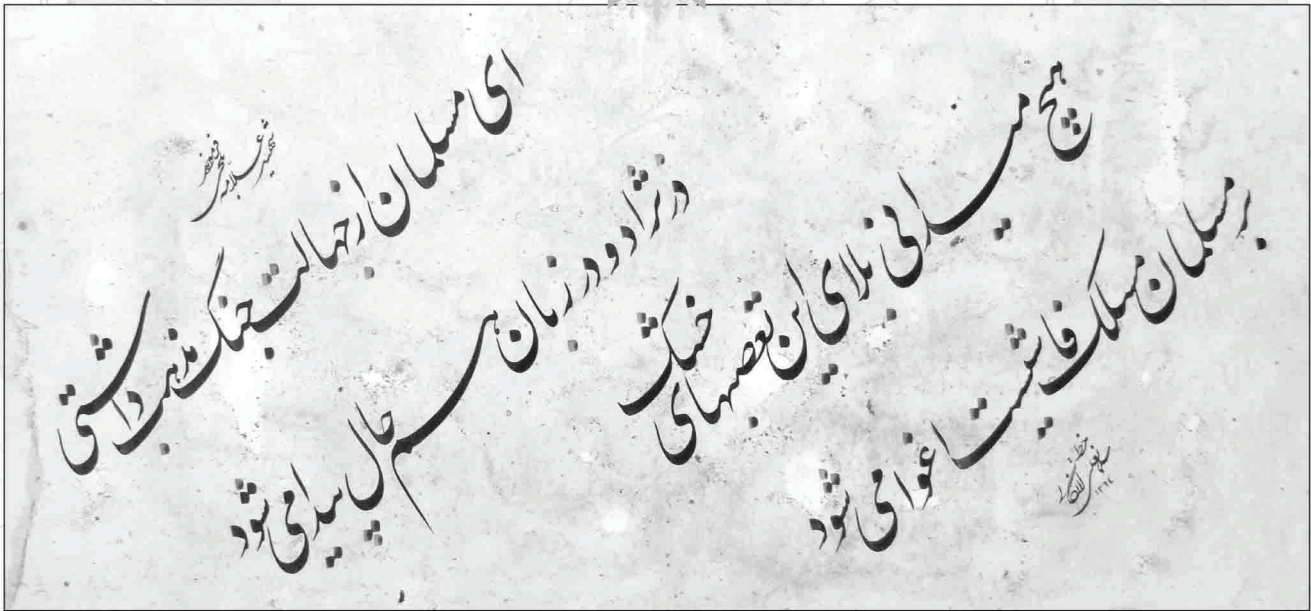
شرقی جوان که وضع اروپایت آرزوست
سرخوش از آن شدی که سراپایت آرزوست
سودای بس عجیب به سر پرورده ای
در زیر قبر، رونق دنیاسیت آرزوست
بیرون خجسته ای تو ز دام غرض هنوز
ای مرغ پر شکسته! ثریایت آرزوست
با مُد خشک خویش شبیهی به زاهدی
طاعت ریا نموده و عقابیت آرزوست
بی عشق به از آن که زنی لاف عشق خام
مجنون نگشته طره لیلایت آرزوست

عزم آهنین، تصمیم راسخ، از خودگذشتگی و مبارزه طلبی، پرده های تاریکی جهل، استبداد و توحش را دریده و نویدبخش صبح امید و پیروزی باشند. شهید بلخی زنده واقعی جوانی را می داند که دایم در حال مبارزه هست؛ بدون مبارزه زندگی برای جوان مرگ است.
جوانان با عزم و اراده خویش غیر ممکن را ممکن و زهر جفای زندگی را تبدیل به شهد جان پرور می کنند؛ زیرا خواستن آفریدن است. آری، عزم و اراده درخت باعظمتی است که تمدن، ترقی و تکامل شاخه های نیرومند آن هستند (سمیعی، ۱۳۸۷: ۳۵).

بی رنج و محنت نگذرد یک دم ز ایام جوان
زهر جفای زندگی شهد است در کام جوان
در تنگنای امتحان مغلوب ظلمت کی شود
انوار صبح معرفت، پیداست از شام جوان
آن کس که از خود نگذرد نام جوان بر وی منه
شرم است هر بی درد را بر خود نهد نام جوان
در بزم یاران دغل جام هوس را بشکند
جام شهادت می دهد آخر سرانجام جوان
جز گمراهی حاصل نشد از درس ما این شیخ را
از قصر وحدت می رسد هر لحظه الهام جوان
از دوری منزل مرا واعظ مترسان آن قدر
صد ساله ره طی می کند با عزم یک گام جوان



شهید بلخی با درک عمیق از تمدن به ظاهر پیشرفته غرب، آن را نتیجه سعی و تلاش غربی ها دانسته و معتقد است که بدون سعی و تلاش برای یک جوان مسلمان، دستیابی به وضعیت به ظاهر سامان یافته اروپا و پیشرفت های حیرت انگیز آنان در صنعت و تکنولوژی، جز بوالهوسی چیز دیگری نخواهد بود. تنها راه رسیدن به قله های پیشرفت، در سایه سعی و تلاش و تصمیم استوار میسر خواهد بود.



صید خدنگ فتنه نفسی و بازهم
 موهوم آشیانه عنقایت آرزوست
 در حوض و جوی غوطه زدن را ندیده‌ای
 ناآشنا شنا ته دریایت آرزوست
 مقصودت از یروپ اگر وضع ظاهر است
 از جام زهر، شهد مصفایت آرزوست
 گر نیستی ز اهل تظاهر به راستی
 بگذر ز شرح لفظ چو معنایت آرزوست
 لکن بدون سعی و عمل کی رسی به وصل
 بیدار شو چو خلوت شبهات آرزوست
 نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود
 نشیده‌ای که مفت تمنایت آرزوست
 (بلخی، ۲۳۲-۲۳۱)

نتیجه

با توجه به آنچه که در این نوشتار ارائه شد، به این نتیجه می‌رسیم که شهید سید اسماعیل بلخی در غزل‌های خویش برای جوانان ۱۳۹۴ جایگاه و اهمیت ویژه‌ای قائل است. در اندیشه شهید بلخی، جوان و جوانی مساوی با عشق، دلیری، استقلال‌طلبی، عزم، اراده، بیداری، شکست‌ناپذیری، ایثار و از خودگذشتگی است. از نظر شهید بلخی، جوان به کسی اطلاق می‌شود که سراسر کشور و وجودش مالا مال از این ویژگی‌ها باشد. جوانی تنها چند صباحی قدم زدن در بهار زندگی نیست؛ بلکه از بارزترین ویژگی آن، سعی و تلاش، فتح قله‌های دانش، خستگی‌ناپذیری، احساس مسئولیت و کسب فضایل اخلاقی می‌باشد.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابراهیم مصطفی و دیگران (۱۴۱۰ هـ / ۱۹۸۹ م)، المعجم الوسیط، ترکیه- استانبول، دارالدعوة.
۴. بلخی، سید اسماعیل (۱۳۸۱)، دیوان بلخی، مشهد، مرکز مطالعات و تحقیقات علامه بلخی.
۵. جمعی از پژوهش‌گران (۱۳۸۱)، سازمان ملی جوانان، با همکاری مرکز آمار ایران (۱۳۸۲)، تهران، سازمان ملی جوانان.
۶. سمیعی، رضا (۱۳۸۷)، جام اندیشه، قم، انتشارات صالحان.
۷. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۸۸)، روان‌شناسی رشد، تهران، انتشارات اطلاعات.
۸. عیاشی، محمد بن مسعود سلمی سمرقندی (۱۳۸۰)، تفسیر عیاشی، تهران، انتشارات اطلاعات.
۹. کرزون، ال. ب (۱۳۸۴)، فرهنگ حقوق، انگلیسی- فارسی، ترجمه قدیر گل‌کاریان و دیگران، تهران، دانشیار.
۱۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، بحارالانوار، ج ۷۵، لبنان- بیروت، مؤسسه الوفاء.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۸)، تفسیر نمونه، ج ۱۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۲. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۸)، حکمت‌نامه جوان، قم، انتشارات دارالحدیث.
۱۳. معین، محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ فارسی معین، تهران، انتشارات هنرور.
۱۴. همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۶)، فنون بلاغت و صناعت ادبی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.